

---

## بررسی جایگاه عنصر «پیروان» در سعادت امت‌های ثابت قدم از منظر قرآن کریم

---

مهدی شامحمدی بنی (نویسنده مسئول)؛<sup>۱</sup>

غلامرضا خوش‌نیت؛<sup>۲</sup>

زینب واعظی<sup>۳</sup>

### چکیده

انقلاب اسلامی ایران با بن‌مایه ایمانی خود، با رهبری مردانی الهی و با ایستادگی مردمی متمسک به قرآن، چله اول عمر خود را پشت سر نهاده است و اکنون گام بلند و سرنوشت‌ساز دیگری را در مسیر تحقق تمدن نوین اسلامی در پیش روی خود دارد. قرآن کریم علل و عناصر دخیل در پیروزی و سعادت امت‌های ثابت قدم را به شکلی جامع بیان کرده است. در این میان «پیروان» انبیاء و ادیان، به عنوان عنصری که هدف از ارسال رسل و انزال کتب، سعادت دنیوی و اخروی آن‌ها بوده است، جایگاهی بس مهم دارند. لذا بررسی و احصاء ویژگی‌های پیروان امت‌های پیروز - که امروز مصداق بارز آن مردم ایران هستند - و

---

۱. مدرس گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده عقیدتی سیاسی شهید محلاتی رحمته‌الله، قم  
mahdi1433@gmail.com

۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده عقیدتی سیاسی شهید محلاتی رحمته‌الله، قم  
r\_khoshneyat@yahoo.com

۳. کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق رحمته‌الله، قم  
z.vaezi@gmail.com

کاربست آن‌ها، یکی از ضروری‌ترین و پراهمیت‌ترین مسائل پیش روی مردم ما در حرکت تمدن‌ساز گام دوم انقلاب اسلامی است. هدف این پژوهش پاسخ به این سوال است که قرآن چه ویژگی‌هایی برای پیروان امت‌های سعادت‌مند برشمرده است؟ در پاسخ به این سوال با روش کیفی توصیفی - تحلیلی، آیات قرآن کریم مورد بررسی قرار گرفته و تعداد هشت ویژگی برای پیروان امت‌های پیروز احصاء گردیده است. این ویژگی‌ها عبارتند از: ایمان و توکل، ولایت‌مداری، خودباوری، استقامت، وحدت، شهادت‌طلبی و امید.

**واژگان کلیدی:** انقلاب اسلامی، گام دوم، مردم ایران، سعادت امت‌ها، جامعه‌شناسی

## مقدمه

امت‌ها و ملت‌ها در طول تاریخ بشر به تناسب سطح معرفتی خود، دنبال پیروزی، مانایی و سعادت خویش بوده‌اند. اما هر امتی معنای حقیقی و بایسته‌های سعادت را درک نمی‌کند و هر امتی به کمال سعادت واقعی نائل نمی‌گردد. قرآن کریم علل و عناصر دخیل در پیروزی و سعادت امت‌ها را به شکلی جامع بیان کرده است. عناصری همچون: الله، تنها منبع بی‌پایان قدرت در عالم؛ انبیاء و اوصیاء آن‌ها، به عنوان عنصر رهبری و امامت جامعه؛ دین، به عنوان عنصر قانون زندگی و سعادت؛ و پیروان، عنصر امت‌ساز و سرنوشت‌ساز.

در این میان پیروان انبیاء و اوصیای آن‌ها جایگی خطیر و والا دارند. چراکه پایه و اساس شکلگیری جامعه مؤمنان بر انتخاب و خواست مردم در پذیرش دین الهی و نبوت انبیاء و وصایت جانشینان آنها استوار است و استنکاف آنها در این امر، اساساً اجازه تشکیل جامعه ایمانی را نمی‌دهد. از طرف دیگر ثبات و ماندگاری جامعه مؤمنان و رشد و تعالی آن نیز جز با خواست و انتخاب مردم امکان پذیر نیست. چراکه این مردم هستند که اگر در راه حق ایمان و توکل به خداوند را در خود نهادینه کنند، از رهبر خود حمایت و پیروی کنند، در مواجهه با سختی‌ها و مشکلات امیوار باشند و در برابر دشمنان و مستکبران، قدرت خود را باور داشته، وحدت نمایند و استقامت ورزند و جان و مال خود را در این راه فدا کنند، چنین مردمی جامعه ایمانی خود را به سعادت و کمال دنیوی و اخروی می‌رسانند. اما ضعف و فقدان چنین اموری در مردم، ادامه راه پیروزی و مجد را بسیار سخت یا ناممکن می‌کند. لذا باید بدانیم که پیروان امت‌های سعادت‌مند و پیروز در طول تاریخ چگونه زیسته‌اند و چه ویژگی‌هایی داشته‌اند. در این مسیر منبعی موثق تر از قرآن کریم وجود ندارد.

ملت ایران امتی است ایمانی که در برابر مستکبران قیامی دینی نموده است و در چله اول عمر خود در راه نظام‌سازی و جامعه‌سازی دینی قدم‌های بلندی برداشته است اما راه طولانی در پیش رو دارد که چالش‌ها و فراز و نشیب‌های بی‌حدی خواهد داشت. لازمه طی چنین راهی جز با داشتن صفات و ویژگی‌های مردمی حقیقتاً ایمانی که قرآن آنها را توصیف

نموده است امکان ندارد.

در پژوهش پیش رو به پیشگاه قرآن رفته و با روش کیفی توصیفی - تحلیلی آیات متناظر بر موضوع را جمع‌آوری و تحلیل نموده و برخی از مهمترین ویژگی‌های امتهای سعادت‌مند را احصاء کرده ایم. ابتدا معنای «سعادت» به عنوان کلیدی ترین واژه پژوهش بررسی گردیده است، آنگاه هشت ویژگی مهم پیروان امتهای سعادت‌مند را بر اساس آیات قرآن کریم بررسی نموده ایم.

## ۱. مفهوم شناسی

### سعادت

ابن فارس «سعد» را اصلی می‌داند که دلالت بر نیکویی و سرور می‌کند برخلاف نحس، پس سعد به معنای نیکویی در امور است (ابن فارس، ۴۰۴۱، ج ۳، ص ۷۵). ابن منظور نیز سعد را علاوه بر نیکویی به معنای مساعدت و معاونت دانسته و شقاوت را مخالف سعادت و نحس و نقیض سعد و نیکویی دانسته است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۲۱۲). اصحاب لغت فارسی سعادت را خوشبختی؛ نیک‌بختی؛ خوشبخت شدن؛ نیک‌بخت شدن؛ و سعادت‌مند را نیک‌بخت؛ خوشبخت؛ بختیار بیان کرده‌اند. در دیگر کتب لغوی همچون اساس البلاغه الزمخشری، و صحاح اللغة الجوهری، و مصباح المنیر الفیومی، و «العین» الفراهیدی نیز معنا و مفهومی مشابه مشاهده می‌شود. با توجه به دو معنای نیکویی و معاونت می‌توان گفت عرب کلمه سعید را بر کسی اطلاق می‌کرده که علل و اسباب به کمک و معاونت او آمده باشد؛ لذا متناسب است با توفیق الهی، چنان که در معجم الوسیط و کلیات ابی‌البقاء و مفردات راغب آمده است: السعادة معاونة الله للانسان علی نیل الخیر و تضاده الشقاوة.

ولی مهم‌تر از آن به دست آوردن معنای اصطلاحی است، زیرا این معنا در نظر هر گروهی متفاوت است، چرا که هر گروهی سعادت را در چیزی و شقاوت را نیز در چیزی دیگر می‌داند،

لذا می‌توان گفت که سعادت و شقاوت براساس جهان‌بینی‌ها مختلف می‌شوند، اما به طور اجمال می‌توان گفت که اعمال سعادت‌مندانه عبارت است از اعمالی که انسان را به کمال مطلوب برساند، کمالی که استعدادش را خدای متعال در نهاد انسان قرار داده است و چون انسان از راه اعمال خاصی که با اراده‌اش انجام می‌دهد، به سعادت می‌رسد، می‌توان گفت که این معنا با معنای لغوی سعادت که به معنای یاری و مساعدت است، متناسب است. بنابراین، سعادت‌مند کسی است که به کمال مطلوب خود رسیده باشد، از این‌رو، سعادت انسان عبارت است از کمال واقعی او، لذا کمال حقیقی برای انسان همان هدف واقعی است که او به منظور رسیدن به آن آفریده شده و آن وصول انسان به خیر مطلق است و چنان‌که فلاسفه گفته‌اند: خیر مطلق، مقصود و غایت همه موجودات عالم است.

در طول تاریخ درباره اصطلاح سعادت تحلیل‌های متفاوتی ارائه شده است که برخاسته از جهان‌بینی‌های متفاوت و ناشی از بینش و نحوه نگرش افراد به هستی و انسان است. انسان‌هایی که از بینش کمتری برخوردارند و طالب و تابع لذتند، سعادت را به گفته ارسطو نوعی لذت و کامجویی می‌پندارند و آنها که دارای بینش عمیق هستند، معنایی فراتر از لذت را مورد نظر دارند که در نظر حکیمان به معنای نظریه پردازی و اندیشیدن درباره حقایق هستی است. اما به رغم همه تفاوت‌هایی که در تحلیل و تفسیر سعادت وجود دارد همه فیلسوفان و اندیشمندان در این نکته اتفاق دارند که سعادت، مطلوب‌نهایی و کمال واقعی انسان است و اینکه همه انسان‌ها طالب سعادت بوده و به سوی آنچه سعادت می‌پندارند در حرکتند.

## ۲. پیشینه

مطابق بررسی صورت پذیرفته، مشخصاً در خصوص موضوع پژوهش پیش‌رو کتاب یا مقاله‌ای به رشته تحریر درنیامده است. عمده منابع قابل استفاده در این موضوع کتب و مقالاتی است که در زمینه قصص قرآنی و سرگذشت اقوام در قرآن نوشته شده است. آثاری همچون کتب قصه‌های قرآنی از مهدی حاج‌محمدحسینی، برگزیده تاریخ انبیاء و قصص قرآنی از علی ذوالفقاری، سرگذشت گذشتگان، عبرت برای آیندگان از نظر قرآن از رضا

حیدری، سرگذشت پیامبران بر اساس آیه‌های قرآن از مجید علیرضا جذبی، و مقالات سرگذشت قوم حضرت هود علیه السلام و قوم عاد در قرآن کریم با توجه به عبرت‌های تاریخی مهناز مهدی زاده، بازکاوی راهبرد استقامت در مقابله با دشمنان از حبیب زمانی محجوب و دیدگاه قرآن کریم درباره عوامل پیشرفت و انحطاط امت‌ها نویسنده: مصطفی گوهری فخرآباد، سمانه گوهری فخرآباد.

لذا لازم می‌نماید برای رسیدن به نتیجه مطلوب، آیات قرآن کریم درباره ویژگی‌های پیروان صدیق انبیاء که صحنه‌های پیروزی آن‌ها را رقم زده است، به طور مستقیم مورد بررسی قرار گیرد.

### ۳. ویژگی‌های پیروان امت‌های ثابت قدم

#### ۱.۳. ایمان و توکل

ارتباط با خدا و ایمان حقیقی به او، ریشه و اساس همه سعادت‌ها و شقاوت‌های فردی و اجتماعی است. هرآنچه موفقیت برای فرد و اجتماع به دست می‌آید، در پرتو صلاح و سلامت ارتباط انسان‌ها با خالقشان است. و هرآنچه شقاوت و بدبختی گریبانگیر فرد و جامعه می‌گردد، همه به خاطر ضعف و فساد همین نوع ارتباط است. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: کسی که میانه خود و خدا را اصلاح کند خداوند میانه او و مردم را اصلاح خواهد کرد (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۸، ص ۵۷۸).

مطابق آیات قرآن کریم (بقره: ۶۲، ۱۱۲، ۱۷۷، ۲۸۵؛ لقمان: ۲۲. احقاف: ۱۳؛ فصلت: ۳۰؛ مائده: ۶۹. محمد: ۲. حدید: ۲۱-۱۹) می‌توان متعلق‌های ایمان را در توحید، نبوت و معاد که به عنوان اصول عقاید اسلام شناخته می‌شوند خلاصه نمود. ایمان به کتب دراصل نبوت منظور می‌گردد. اساسی‌ترین این سه ایمان، ایمان به الله خواهد بود که در صورت جامع و کامل بودن در فرد، ایمان به معاد و نبوت را نیز تأمین خواهد کرد.

ایمان والاترین سرمایه انسان است. قرآن کریم می‌فرماید: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! آیا

شما را به تجارتی راهنمایی کنم که شما را از عذاب دردناک رهایی می‌بخشد؟ به خدا ایمان بیاورید» (صف: ۱۱ - ۱۰). قرآن در این آیه از ایمان به خدا به عنوان تجارت و سرمایه یاد کرده است. اما به دست آوردن و حفظ کردن این سرمایه عظیم کار ساده‌ای نیست و گاه باید تا سرحدّ جان مشقتها و مشکلات را تحمل نمود.

یکی از عوامل سعادت امت ابراهیم علیه السلام ایمان به خدا بود. عاملی که باعث می‌شد آنان در سختیها از خود پایداری و استقامت نشان دهند. هنگامی که ابراهیم در روزهای داغ و شب‌های سرد و تاریک هاجر و اسماعیل را در بیابان و در برابر درندگان رها کرد، هاجر گفت: «چه کسی به تو دستور داده که ما را در سرزمینی بگذاری که نه گیاهی در آن وجود دارد و نه حیوان شیردهنده و نه حتی یک قطره آب، آن هم بدون زاد و توشه و مونس؟ ابراهیم گفت: پروردگارم به من چنین دستور داده است. هاجر گفت: اکنون که چنین است خداوند هرگز ما را به حال خود رها نخواهد کرد (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۰۳). در جریان ذبح، اسماعیل به پدرش گفت: «هر چه دستور داری اجرا کن، به خواست خدا مرا از صابران خواهی یافت» (صافات: ۱۰۲) او برای اینکه پدر را در انجام این مأموریت کمک کرده و ازرنج و اندوه مادر بکاهد، گفت که پدر جان ریسمان را محکم ببندد، کارد را تیز کن و با سرعت بر گلویم بگذران تا تحملش بر من (و بر تو) آسانتر باشد. پدر، پیراهن را از تنم بیرون کن که به خون آلوده نشود، چرا که می‌ترسم مادرم چون آن را ببیند عنان صبر از کفش بیرون رود (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۱۲؛ مکارم، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ص ۱۱۳).

در امت موسی ع علاوه بر ساحران، همسر حزقیل و آسیه همسر فرعون، نمونه‌هایی از کسانی هستند که ایمان به خدا از آنها انسان‌هایی با استقامت ساخته بود. در میان سپاه بنی‌اسرائیل نیز تنها کسانی توانستند به موفقیت نهایی نائل آیند که در سایه ایمان به خدا تا آخرین مرحله استقامت کردند گفتند که به اذن خداوند سپاه اندک بر لشکر عظیم دشمن پیروز می‌شود (بقره: ۲۴۹). آنان با ایمان به خداوند برای پیمودن ادامه مسیر به خداوند متوسل شده و از او خواستند که استقامتشان افزون و گام‌هایشان استوار گردد و در نهایت بر

دشمن پیروز گردند (همان: ۲۵۰). بنابراین بنی اسرائیل توانستند با ابزار ایمان به خدا خیل عظیم دشمن را درهم شکسته و نابود سازند (همان: ۲۵۱).

مهمترین عامل پایداری و استقامت رسول خدا ﷺ و یارانش ایمان و اطمینان قلبی آنها به خدا بود (بقره: ۲۸۵؛ فصلت: ۳۰). پیامبر اسلام در آغاز رسالت یاران اندکی داشت. مشرکان همین تعداد اندک را شکنجه می‌کردند، اما آنها با قاطعیت و شهامت وصف ناپذیر در مقابل دشمنان ایستادند و دچار سستی نشدند (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۶۸؛ آیتی، ۱۳۶۱، ص ۱۲۷؛ ابن هشام، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۳۱۸؛ ابن اثیر، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۱۴۳). مشرکان سه سال اصحاب پیامبر را در سخت‌ترین شرایط در شعب ابی طالب محاصره کردند (ابن هشام، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۳۵؛ یعقوبی، ۱۳۴۷، ج ۱، ص ۳۸۹؛ حلبی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۴۴، طبری، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۳۳۶؛ ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۲۱۰ - ۲۰۸)؛ جنگ‌های زیادی را بر آنان تحمیل نمودند، اما یاران پیامبر به او عشق می‌ورزیدند و برای شهادت در راه آرمان‌های اسلام پیشگام می‌شدند (واقفی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۱۵)، حتی جوانان حجله عروسی را رها کرده و به میدان نبرد می‌آمدند (ابن هشام، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۷۹). این تحول نبود مگر در پرتو ایمان به خدا.

در جنگ بدر تعداد نیروهای سپاه اسلام یک سوم نیروهای دشمن بود. خداوند سبحان با نزول آیاتی، تعداد کم نیروی انسانی مسلمانان را در برابر انبوه دشمن کم اهمیت قلمداد کرد، به شرطی که آنها از ایمان برخوردار بوده و استقامت و پایداری ورزند. (بقره: ۲۴۹) چه بسیار گروه‌های کوچکی که به فرمان خدا، بر گروه‌های عظیمی پیروز شدند! و خداوند، با صابران و استقامت‌کنندگان است.»

مقام معظم رهبری علیه السلام در بیانیه گام دوم، مایه‌های ایمان مردم ایران را بسی ریشه‌دار و عمیق می‌داند و مهم‌ترین ظرفیت امیدبخش کشور را، نیروی انسانی مستعد و کارآمد با زیربنای عمیق و اصیل ایمانی و دینی دانسته و ایمان را عامل تاب‌آوری ملت در برابر همه سختی‌های چله اول انقلاب می‌داند: آنگاه انقلاب ملت ایران، جهان دوقطبی آن روز را به



جهان سه قطبی تبدیل کرد و سپس با سقوط و حذف شوروی و اقمارش و پدید آمدن قطبهای جدید قدرت، تقابل دوگانه جدید «اسلام و استکبار» پدیده برجسته جهان معاصر و کانون توجه جهانیان شد... دشمنی‌ها با همه شدت آغاز شد و اگر نبود قدرت عظیم ایمان و انگیزه این ملت و رهبری آسمانی و تأییدشده امام عظیم‌الشأن ما، تاب آوردن در برابر آن‌همه خصومت و شقاوت و توطئه و خبثات، امکان‌پذیر نمیشد.

توکل به خداوند متعال از ارزش‌هایی است که قرآن کریم مسلمانان را بارها بدان توصیه می‌کند (آل عمران: ۱۲۲ و ۱۶؛ توبه: ۵۱). حقیقت توکل این است که انسان تلاشگر، کار خود را به خدا بسپارد و حل مشکلات خود را تنها از او بخواهد (مصباح، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۲۶۵)؛ رسول خدا ﷺ وقتی از جبرئیل درباره حقیقت توکل سوال فرمود، عرض کرد: حقیقت توکل علم و آگاهی به این است که مخلوق نمی‌تواند زیانی برساند و نه سودی، و نه چیزی ببخشد، و نه از او باز دارد، و (دیگر) به کار بستن یاس از خلق است (یعنی همه چیز را از سوی خدا و به اذن و فرمان او بداند). سپس فرمود: هنگامی که بنده خدا چنین باشد، جز برای خدا عملی انجام نمی‌دهد و امید و ترسی جز به خدا ندارد، و به هیچ کس جز خدا دل نمی‌بندد، این است حقیقت توکل» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۸، ص ۱۳۸).

انسان باید ایمان و یقین پیدا کند که قدرت خداوند بر همه چیز و همه کس احاطه دارد و انسان که مخلوق خداست، تحت حکومت و قدرت او خواهد بود. هر چه ایمان و معرفت مؤمن به خداوند بیشتر و خالص‌تر باشد، اتصال و درجه اتکا و توکلش نیز قویتر خواهد شد. هر وقت مؤمن و مسلمانی قلب خود را با رابطه‌های اتکا و توکل به دریای قدرت و عظمت الهی متصل نماید، اراده و روحیه‌اش چنان قدرتمند می‌گردد که مغلوب هیچ عاملی نمی‌شود. چنین فردی، هرگز یأس و نومیدی را به خود راه نمی‌دهد، در برابر مشکلات احساس ضعف و ناتوانی نمی‌کند و در برابر حوادث سخت، مقاومت می‌کند و همین فرهنگ و عقیده، چنان به او قدرت می‌بخشد که می‌تواند بر مشکلات پیروز شود.

خداوند متعال صبر و استقامت را از صفات متقین و متوکلین دانسته (آل عمران: ۱۵ -

۱۷؛ نحل: ۱۶؛ ابراهیم: ۱۲) و در قرآن تصریح فرموده که مؤمنان را به سبب ایمان و توکلشان در زندگی دنیا استوار و ثابت قدم می‌سازد (احقاف: ۱۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶، ص ۴۷۲). کسانی که اعتماد و توکلشان به خداوند است، از کسی جز او نمی‌هراسند؛ به همین سبب در برابر ستمگران و مخالفان حق می‌ایستند و هرگز حیات معنوی خود را فدای حیات مادی نمی‌کنند (عبدالحمیدی، ۱۳۹۱، ص ۷۷).

در روایات معصومین نیز به این موضوع اشاره شده است. امام باقر علیه السلام فرموده است: کسی که بر خدا توکل کند مغلوب نمی‌شود و کسی که به دامن لطفش چنگ زند، شکست نمی‌خورد» (ریشه‌ری، ۱۳۸۵، ج ۱۰، ص ۶۸۱). حضرت علی علیه السلام توکل را رمز قوت قلب دانسته است: ریشه اساسی داشتن قلب قوی، توکل به خدا می‌باشد» (همان، ج ۱، ص ۳۱۸). و در جای دیگر می‌فرماید: کسی که به خدا توکل نماید سختیها برای او هموار و اسباب و ابزار لازم برای او آسان می‌شود» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۴۲۵).

همراهی مسلمانان و سه سال مقاومت شگفت‌آور آنان در شرایط بسیار تلخ، هراس‌انگیز و توأم با گرسنگی و فشارهای روانی، با عنایت به ایمان قلبی آنان امری غریب و محال نبود؛ زیرا ایمان سرچشمه توانایی، پایداری، دلیری، توکل و اعتماد به نفس است و بزرگترین عامل پیروزی بر مشکلات محسوب می‌شود (آل عمران: ۱۳۹).

مقام معظم رهبری علیه السلام در تحلیل استقامت مسلمانان در شعب ابی‌طالب می‌فرماید: «همان ایستادگی اول بعثت، منجر می‌شود به استقامت عجیب سه سال در شعب ابی‌طالب... عمود مستحکم این خیمه، آن دل «متوکل علی الله» است که چنین استقامتی را در فضا به وجود می‌آورد که آحاد صبر می‌کنند» (بیانات در دیدار مسئولان نظام به مناسبت مبعث حضرت رسول اعظم صلی الله علیه و آله و سلم).

ایمان ریشه و اساس سایر عوامل موفقیت امت‌های استقامت‌کننده محسوب می‌گردد؛ چرا که ایمان است که توکل می‌آورد، در بین مردم وحدت ایجاد می‌کند، مردم را پیرو رهبر می‌گرداند و در نهایت روح استقامت و پایداری در بین امت می‌دمد.

مقام معظم رهبری علیه السلام در بیانیه گام دوم در توصیه دوم خود، توکل که یکی از ارزشهای معنوی و اخلاقی برمی‌شمارند که جهت‌دهنده همه حرکتها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است که بودن آنها، محیط زندگی را حتی با کمبودهای مادی، بهشت میسازد و نبودن آن حتی با برخورداری مادی، جهنم می‌آفریند.

### ۲.۳. ولایتمداری

یکی دیگر از ویژگی‌های پیروان امت‌های ثابت‌قدم که عاملی مهم در سعادت آنها به شمار می‌آید، ولایتمداری آنها در برابر انبیاء است. پیروان ابراهیم با تاسی به پیشوای خود و الگو قرار دادن وی توانستند در برابر مشکلات و حکومت‌های ظالم ایستادگی نمایند. ایشان در پرتو پیروی از دستوره‌های ابراهیم و شکیبایی در راه خدا توانستند به موفقیت‌های بزرگی برسند و این پیروی محض از ابراهیم علیه السلام بود که آنان را به بهترین و شایسته‌ترین افراد در نزد وی تبدیل کرده بود (آل عمران: ۶۸).

یکی از ویژگی‌های پیروان سعادت‌مند موسی - در برخی مقاطع - را می‌توان اطاعت آنها از دستور رهبرشان برشمرد. چراکه تنها کسانی توانستند تا پایان مسیر استقامت کنند که تمامی ذهن خود را معطوف دستورات فرمانده خود کرده بودند. به عنوان مثال سپاهیان طالوت به هنگام حرکت با بیانی عجیب از جانب فرمانده‌شان مواجه شدند و آن عدم نوشیدن آب بود. طالوت در بیان خود صراحتاً آورده بود که هر کس آب بنوشد از من نخواهد بود. تعداد بسیاری از فرمان صریح فرمانده خود سرباز زدند و در این امتحان الهی مردود شدند (بقره: ۲۴۹) و تنها کسانی به موفقیت دست یافتند که تا پایان راه در مسیر رهبرشان باقی ماندند.

نگاهی گذرا به تاریخ صدر اسلام نیز نشان می‌دهد مسلمانان تا زمانی که در مسیر اطاعت از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم استقامت بیشتری از خود نشان دادند پیروز شدند و هر زمان این اصل مهم کم‌رنگ شد به شکست آنها انجامید. در جریان شعب‌ابی طالب استقامت و پایداری مسلمانان تحت اطاعت از اوامر رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم، منجر به پیروزی مسلمانان و شکست

محاصره اقتصادی دشمن گردید اما، در جنگ احد به خاطر نافرمانی از دستور رسول اکرم ﷺ شکست تلخی بر مسلمانان وارد شد.

### ۳.۳. خودباوری

یقیناً امروزه یکی از اساسی‌ترین ضربه‌هایی که از جانب سیاست‌های استکبار متوجه کشورهای به استضعاف کشیده شده و به ویژه مسلمانان می‌باشد، پدیده «خودباختگی» است و متأسفانه به جای آنکه روشنفکران این کشورها بنا به جایگاه اجتماعی و به تناسب عنوانی که بر خود نهاده‌اند، پرچمداران مبارزه با این پدیده بنیان‌سوز و بنیاد برانداز باشند، خود در پیشاپیش سرسپردگان قرار گرفته و بیش از یکصد سال است که بر طبل خودباختگی و خودفروشی می‌کوبند.

مقام معظم رهبری علیه السلام در بیانیه گام دوم انقلاب، درباره حس خودباوری ملت ایران و اعتقاد به شعار «ما می‌توانیم» می‌فرمایند: انقلاب به یک انحطاط تاریخی طولانی پایان داد و کشور که در دوران پهلوی و قاجار به شدت تحقیر شده و به شدت عقب مانده بود، در مسیر پیشرفت سریع قرار گرفت؛ در گام نخست، رژیم ننگین سلطنت استبدادی را به حکومت مردمی و مردم‌سالاری تبدیل کرد و عنصر اراده ملی را که جان‌مایه پیشرفت همه‌جانبه و حقیقی است در کانون مدیریت کشور وارد کرد؛ آنگاه جوانان را میدان دار اصلی حوادث و وارد عرصه مدیریت کرد؛ روحیه و باور «ما می‌توانیم» را به همگان منتقل کرد؛ به برکت تحریم دشمنان، اتکاء به توانایی داخلی را به همه آموخت و این منشأ برکات بزرگ شد.

ایشان در جای دیگری از بیانیه گام دوم، اعتماد به نفس ملی و خودباوری را عامل غلبه بر همه سختی‌ها و استواری در راه و پیشرفتهای بزرگ دانسته و می‌فرمایند: به‌رغم همه این مشکلات طاقت فرسا، جمهوری اسلامی روزه‌روز گام‌های بلندتر و استوارتری به جلو برداشت. این چهل سال، شاهد جهادهای بزرگ و افتخارات درخشان و پیشرفتهای شگفت‌آور در ایران اسلامی است. عظمت پیشرفتهای چهل ساله ملت ایران آنگاه بدرستی دیده می‌شود که این مدت، با مدت‌های مشابه در انقلاب‌های بزرگی همچون انقلاب فرانسه و انقلاب اکتبر شوروی و

انقلاب هند مقایسه شود. مدیریت‌های جهادی الهام‌گرفته از ایمان اسلامی و اعتقاد به اصل «ما میتوانیم» که امام بزرگوار به همه ما آموخت، ایران را به عزت و پیشرفت در همه عرصه‌ها رسانید.

از کارآمدترین حربه‌های ممالک سلطه‌گر، مسخ شخصیت و بی‌هویت نمودن ملل تحت سلطه است؛ زیرا کسی که هویت و جایگاه خود را نشناسد و دچار بحران هویت شود، استقامت و پایداری را از دست می‌دهد و برای ادامه حیات حیوانی خود نیازمند قدرتی خواهد شد تا به آن متکی شود و این از سیاست‌های استکباری فرعون است که برای تداوم سلطه فرعون‌ی خود و استثمار مستضعفان به کار می‌گرفت: پس قوم خود را سبک مغز شمرد (و آنان را تحقیر کرد) و اطاعتش کردند چرا که آن‌ها مردمی منحرف بودند. (زخرف: ۵۴)

بدون شک جباران مستکبر، برای تحکیم پایه‌های سیاست جابرانه خود، قبل از هر چیز قربانیان خویش را به استضعاف فکری و فرهنگی می‌کشاند، و به تحقیر و توهین و تخریب بنیادهای فرهنگی، ملی، مدنی و سوابق افتخارآمیز آنان می‌پردازند، تا بتوانند به زندگی انگلی خود، ادامه دهند: فرعون در سرزمین (مصر) به سرکشی روی آورد و مردم آن را طبقه طبقه ساخت؛ طبقه‌ای از آنان را زبون می‌داشت... (قصص: ۴)

قرآن کریم یکی از ویژگی‌های یاران سعادتمند طالوت را در مبارزه با مستکبر زمان، یعنی جالوت، خودباوری آنها می‌داند که ریشه در ایمان آنها داشت: و هنگامی که [طالوت] با کسانی که همراه وی ایمان آورده بودند، از آن [نهر] گذشتند، گفتند: «امروز ما را یارای [مقابله با] جالوت و سپاهیان نیست.» «کسانی که به دیدار خداوند یقین داشتند، گفتند: «بسا گروهی اندک که برگروهی بسیار، به اذن خدا پیروز شدند، و خداوند با شکیبایان است.» (بقره: ۲۴۹)

و قرآن خطاب به یاران پیامبر اسلام ﷺ می‌فرماید: در راه حق سستی نکنید و خود را نبازید، شما بر همه دشمنان برتری دارید به شرط آنکه ایمان داشته باشید: و اگر مؤمنید، سستی مکنید و غمگین مشوید، که شما برترید. (آل عمران: ۱۳۹)

## ۴.۳. استقامت

استقامت، از ریشه «قَوْم»، به معنای طلب قیام از هرچیز است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲۱، ص ۷۷-۸۱). راغب اصفهانی می‌نویسد: «استقامت درباره راهی گفته می‌شود که بر روی خط هموار می‌باشد و راه حق به آن تشبیه شده است... و استقامت انسان، یعنی متعهد بودن او در راه مستقیم» (راغب، ۱۴۱۲، ص ۶۹۲) به گفته طریحی، استقامت انسان، یعنی ملازم بودن او با راه حق (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۱۵۱۸، ۱۵۳۲).

استقامت آدمی در یک کار، یعنی اینکه از نفس خود بخواهد که درباره آن امر قیام نماید و آن را تا اصلاح کند، به طوری که دیگر فساد و نقص نیابد و به حد کمال و تمامیت خود برسد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۱، ص ۴۷). مقام معظم رهبری علیه السلام می‌فرمایند: «استقامت یعنی ایستادگی کردن، ادامه دادن، راه را دنبال کردن، متوقف نشده، این رمز کار است، باید پیش برویم» (بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی «جوانان و بیداری اسلامی» مندرج در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۱۸۸۷> (بنابراین امت با استقامت،

از یک سو، به هدف می‌رسد و، از سوی دیگر، آن اهداف و ثمرات را حفظ می‌کند.

ایشان در بیانیه گام دوم انقلاب در خصوص مقاومت و استادگی ملت ایران بر سر آرمانها و شعارهای خود در چله اول انقلاب می‌فرمایند: از میان همه ملت‌های زیر ستم، کمتر ملتی به انقلاب همت می‌گمارد؛ و در میان ملت‌هایی که به پاخاسته و انقلاب کرده‌اند، کمتر دیده شده که توانسته باشند کار را به نهایت رسانده و به جز تغییر حکومتها، آرمانهای انقلابی را حفظ کرده باشند. اما انقلاب پُرشکوه ملت ایران که بزرگ‌ترین و مردمی‌ترین انقلاب عصر جدید است، تنها انقلابی است که یک چله‌ی پُرافتخار را بدون خیانت به آرمان‌هایش پشت سر نهاده و در برابر همه وسوسه‌هایی که غیر قابل مقاومت به نظر میرسیدند، از کرامت خود و اصالت شعارهایش صیانت کرده.

ایشان در جایی دیگر از بیانیه می‌فرمایند: نماد پُراتهت و باشکوه و افتخارآمیز استادگی

در برابر قلدران و زورگویان و مستکبران جهان و در رأس آنان آمریکای جهان خوار و جنایت‌کار، روزه‌روز برجسته‌تر شد. در تمام این چهل سال، تسلیم‌ناپذیری و صیانت و پاسداری از انقلاب و عظمت و هیبت الهی آن و گردن برافراشته آن در مقابل دولتهای متکبر و مستکبر، خصوصیت شناخته‌شده ایران و ایرانی به‌ویژه جوانان این مرز و بوم به‌شمار میرفته است. قدرتهای انحصارگر جهان که همواره حیات خود را در دست اندازی به استقلال دیگر کشورها و پایمال کردن منافع حیاتی آنها برای مقاصد شوم خود دانسته‌اند، در برابر ایران اسلامی و انقلابی، اعتراف به ناتوانی کردند. ملت ایران در فضای حیات بخش انقلاب توانست نخست دست‌نشانده آمریکا و عنصر خائن به ملت را از کشور براند و پس از آن هم تا امروز از سلطه دوباره قلدران جهانی بر کشور با قدرت و شدت جلوگیری کند.

قرآن، پیامبران، صدیقان، شهیدان و صالحان، که بهترین بندگان خدایند، اهل استقامت معرفی می‌کند (نساء: ۶۹) و هرکس پیرو خدا و رسولش باشد، از استقامت کنندگان به‌شمار می‌آید (نساء: ۶۸ - ۶۹). امام علی استقامت و پایداری را شرط سلامت و ایمنی می‌شمارد (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ح ۸۱۱۷، ۸۴۹۷، ۸۰۴۱، ۱۰۵۵۶، ۶۱۲۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۷، ص ۲۱۳) و می‌فرماید: هرکس استقامت کند، ره به بهشت برد و هر که بلغزد، به دوزخ در افتد (شریف رضی، ص ۲۲۹). پیامبر نیز به استقامت کنندگان وعده رستگاری داده است (متقی هندی، بی تا ۵۴۷۹).

استقامت در هر امری موجب ثبات و بقاء آن است. از این رو، با استقامت دین ثبات می‌یابد و اگر استقامت در دین نباشد، موجب هلاکت و نابودی می‌شود (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۴، ص ۳۰۳). کسانی که دارای استقامت در دین می‌شوند، هیچ قدرتی نمی‌تواند در آنها تزلزل ایجاد کند (احقاف: ۱۴؛ فصلت: ۳۰).

ظلم و ستم جامعه نوح فشار روحی و روانی بسیاری را بر یاران نوح وارد می‌کرد. استقامت در برابر فشارهای داخل جامعه از یک سو و ایستادگی در برابر آزمایشات سنگین الهی از سوی دیگر، صف مؤمنان حقیقی را از دشمنان جدا ساخت. هنگامی که نوح علیه السلام از خداوند

برای قوم خود درخواست عذاب آسمانی نمود، خداوند جبرئیل را با هفت هسته خرما نزد وی فرستاد و دستور داد که هسته‌ها را بکارد و فرمود زمانی که هسته‌ها به درخت تبدیل شده و میوه دادند فرج و خلاص نصیب تو گردد و این را به پیروان مؤمن خود مژده بده. درخت‌ها روئید و میوه‌های آنها به ثمر رسید اما خدا هفت مرتبه دیگر این دستور را به نوح می‌دهد. در این بین تعداد بسیاری از یاران نوح از ایمان خود بازگشتند تا آنکه اطراف او هفتاد و چند نفر باقی ماند. سپس خدای تبارک و تعالی به او وحی کرد که ای نوح اکنون به دستور و نظارت ما کشتی را بساز (همان). گروهی به مساعدت او برخاستند، اما بیشتر مردم او را مسخره می‌کردند سپس خداوند باران تندی فرستاد. فرات طغیان کرد و همه چشمه‌ها جوشیدن گرفت و همگی غرق شدند و تنها نوح و همراهان او در کشتی نجات یافتند (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۸، ص ۲۸۱).

ابراهیم علیه السلام و یارانش برای دستیابی به موفقیت‌های پیش رو سختی‌های فراوانی را متحمل شدند که از آن میان می‌توان به هجرت آنان از بابل به سمت مصر اشاره کرد. وقتی نمود، ابراهیم علیه السلام را از شهر بیرون راند (همان، ص ۱۱۵)، ابراهیم علیه السلام و پیروانش (از جمله لوط، ساره و...)، با یکدیگر تصمیم گرفتند که به مصر هجرت کنند (همان، ص ۱۰۰). ترک سرزمین پدری و مشقت‌های راه و سکونت در کشوری غریب نیازمند پایداری فراوان است. خداوند نیز در مقابل به آن مردم ستم‌دیده و رنج‌کشیده لطف کرد و اراده نمود تا به واسطه ابراهیم خلیل (نساء: ۱۲۵) که با امتی برابری می‌کرد (نحل: ۱۲۰)، آنها را از چنگال جهل و نادانی و پرستش بت و طاغوت و ظلم ستمگران نمرودی رهایی بخشد.

### ۳.۵. وحدت

وحدت و همبستگی جوهره قوام و پایداری است که در سایه آن توان استقامت مسلمانان در برابر دشمنان چندین برابر می‌شود و در مقابل، تفرقه و تشتت جز ذلت و پراکندگی و به هدر رفتن نیروهای فکری و سرمایه‌های انسانی امت اسلامی ثمری نخواهد داشت. چنان که در جریان جنگ احد، اختلاف و نزاع در بین مسلمانان، مقاومت آنها را



درهم شکست و نتیجه تلخی را برای مسلمانان رقم زد (آل عمران: ۱۵۲). از این رو، پیامبر اکرم ﷺ با ایجاد وحدت و جلوگیری از افتراق، صفوف مسلمین را به بنیان مرصوص تبدیل کرد و از ثمرات شیرین اتحاد و همدلی، به نفع اسلام و تحکیم مبانی سیاسی و اجتماعی و دفاعی امت اسلام بهره گرفت (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۱۸۰؛ ابن هشام، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۴۹۰؛ احمدی، ۱۴۳۸، ج ۱، ص ۲۴۱ - ۲۶۳؛ ابن کثیر، ۱۴۲۷، ج ۳، ص ۲۲۴؛ طبرسی، ۱۳۹۹، ص ۶۹؛ یعقوبی، ۱۳۴۷، ج ۲، ص ۴۳). از مهم‌ترین برنامه‌های پیامبر در این مسیر، عقد اخوت میان مسلمانان بود.

خداوند متعال با یادآوری ضرورت همبستگی و همدلی و لزوم مقابله با اختلافات قومی و دینی، همه مسلمانان را به حفظ اتحاد توصیه می‌کند و می‌فرماید: و از خدا و پیامبرش فرمان برید، و با یکدیگر نزاع و اختلاف مکنید که سست و بددل می‌شوید، و قدرت و شوکتتان از میان می‌رود. و شکیبایی ورزید که خدا با شکیبایان است. (انفال: ۴۸)

اتحاد و همبستگی یکی از ضرورت‌های مهم اجتماعی و سیاسی مسلمانان در جهت ایستادگی و پویایی و هویت امت اسلامی و از مهم‌ترین عوامل عزت و پیروزی آنها در صحنه‌هاست. امام علی علیه السلام در اشاره به این واقعیت می‌فرماید: «امت‌های پیشین مادامی که با هم اتحاد و وحدت داشتند، در حال پیشرفت و شکوفایی بودند، و به عزت و اقتدار دست یافتند، خلافت و وراثت در زمین را به دست آوردند و رهبر و زمامدار جهان شدند» (شریف رضی، ۱۵۷). قرآن به مسلمانان چنین می‌فرماید: و همگی به ریسمان خدا (قرآن و اسلام و هرگونه وسیله رحمت) چنگ زنید و پراکنده نشوید؛ و نعمت خدا را بر خود به یاد آورید که چگونه دشمن یکدیگر بودید، و او میان شما الفت ایجاد کرد، و به برکت نعمت او برادر شدید. (آل عمران: ۱۰۳)

مقام معظم رهبری علیه السلام در این باره می‌فرماید: اتحاد ملّی را حفظ کنید. کشور ما احتیاج به اتحاد دارد؛ اتحاد ملّت ایران. ملّت ایران در خیلی از امور صدایشان صدای واحد است، خواستشان خواست واحد است، [اما] مسئولان میتوانند این را از بین ببرند. مسئولین کشور

مراقب باشند که این اتحاد را زیاد کنند. (بیانات در دیدار دست‌اندرکاران مراسم سالگرد شهادت حاج قاسم سلیمانی و خانواده شهید سلیمانی مندرج در:

<https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=۹۸۸>

ایشان وحدت ملی را یکی از عناصر قدرت می‌دانند که دشمن درصدد نابودی آن است: از قدرت اسلامی و قدرت انقلابی می‌ترسند لذا سعی می‌کنند عناصر قدرت را مخدوش کنند و از بین ببرند. عناصر قدرت ما چیست؟ استقرار و ثبات سیاسی است، امنیت اجتماعی است، وحدت ملی است. (بیانات در همایش ده‌ها هزار نفری «خدمت بسیجیان» در ورزشگاه آزادی)

### ۳.۶. شهادت طلبی

درس شهادت و درس چگونه شهید شدن در مکتب مکتب قرآن آمده است. آیات فراوانی در قرآن کریم به مسئله شهادت اشاره نموده است: از میان مؤمنان مردانی‌اند که به آنچه با خدا عهد بستند صادقانه وفا کردند. برخی از آنان به شهادت رسیدند و برخی از آنها در [همین] انتظارند و [هرگز عقیده خود را] تبدیل نکردند (احزاب: ۲۳). بگو: «آیا برای ما جز یکی از این دونیکی را انتظار می‌برید؟ درحالی‌که ما انتظار می‌کشیم که خدا از جانب خود یا به دست ما عذابی به شما برساند. پس انتظار بکشید که ما هم با شما در انتظاریم (توبه: ۵۲). هرگز کسانی را که در راه خدا کشته شده‌اند، مرده مپندار، بلکه زنده‌اند که نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند (آل عمران: ۱۶۹). و کسانی را که در راه خدا کشته می‌شوند، مرده نخوانید، بلکه زنده‌اند؛ ولی شما نمی‌دانید (بقره: ۱۵۴). و هرکس در راه خدا بجنگد و کشته یا پیروز شود، به زودی پاداشی بزرگ به او خواهیم داد (نساء: ۷۴). در حقیقت، خدا از مؤمنان، جان و مالشان را به [بهای] اینکه بهشت برای آنان باشد، خریده است؛ همان کسانی که در راه خدا می‌جنگند و می‌کشند و کشته می‌شوند. [این] به عنوان وعده حقی در تورات و انجیل و قرآن بر عهده اوست. و چه کسی از خدا به عهد خویش وفادارتر است؟ پس به این

معامله‌ای که با او کرده‌اید شادمان باشید، و این همان کامیابی بزرگ است (توبه: ۱۱۱).

جامعه‌ای در راه رسیدن به آرمان‌های خود موفق‌تر است که علاوه بر تجهیزات و امکانات مادی، مردمانش نیز دارای روحیه بردباری و تحمل سختی‌ها باشند و در راه رسیدن به اهداف از جان خود نیز بگذرند و کشته‌شدن در راه حفظ آرمان‌ها را یک ارزش بدانند. از این رو، می‌توان گفت چنین جامعه‌ای شکست‌ناپذیر است و به خوبی می‌تواند در مقابل دشمن به پیروزی برسد و آن را شکست دهد. با بررسی تاریخ زمان شعیب درمی‌یابیم که یکی از عوامل موفقیت در آنها وجود این روحیه در میانشان بود که در بین آنان می‌توان به افرادی چون ابن صالح، حسان بن سنان، حارث بن شعیب غسانی اشاره کرد. شعیب بن صالح، که از طرف حضرت شعیب رضی الله عنه به عنوان نماینده به سمت قوم فرستاده شده بود تا دین خدا را تبلیغ کند، ابتدا او را زدند، سپس او را در میان چاه انداخته و چاه را پر خاک کردند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۲، ص ۳۸۳). حسان بن سنان أوزاعی، که از سوی ایشان برای دعوت مردم به یکتاپرستی رفته بود، را تکذیب کرده و در اطاقی میان چاه زندانی کردند (کراجکی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص: ۳۸۲). حرث بن شعیب غسانی، را تکذیب کرده و کشتند (همان). اما سرانجام استقامت شعیب رضی الله عنه و یارانش به ثمر نشست و باعث موفقیت و نجات آنان از عذاب الهی گردید: و هنگامی که فرمان ما فرا رسید، شعیب و کسانی را که با او ایمان آورده بودند، به رحمت خود نجات دادیم و آنها را که ستم کردند، صیحه (آسمانی) فروگرفت و در دیار خود، به روافتادند (ومردند) (هود: ۹۴).

روحیه ایثار و شهادت طلبی از عوامل پیروزی آفرین و از امتیازهای سپاه اسلام در برابر جبهه کفر می‌باشد. مسلمانان صدر اسلام با تکیه بر این عامل همواره پیروزی‌های بزرگی را برای جبهه حق به ارمغان می‌آوردند؛ چرا که در این سوی جبهه مجاهدانی بودند که کشته شدن در میدان جنگ را حیات و افتخار دانسته و در آن سوی جبهه مهاجمانی که از مرگ گریزان و آن را هلاکت و بیهوده می‌دیدند. نتیجه چنین نگرشی برای جبهه حق، ارتقاء انگیزه و اشتیاق، تقویت روحیه استقامت و پایداری و برای جبهه باطل بی‌رغبتی، بی‌انگیزگی، سستی و عدم

ایستادگی بود. نمونه و مصادیق فراوانی از این روحیه در میان مجاهدان عصر رسول خدا ﷺ وجود دارد: دفاع جدی از جان رسول خدا ﷺ در روز بدر با به خطر انداختن جان خود (واقعی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۵۹) و نیز در جنگ احد به هنگام مجروح شدن پیامبر ﷺ. گریه و ناراحتی تعدادی از کسانی که به لحاظ سلاح و مال توانایی حضور در غزوه تبوک را نیافتند و به بگائین معروف شدند (همان، ص ۷۰)، شور و اشتیاق صحابه برای حمایت مالی و پشتیبانی از جنگجویان و نیز علاقه آنان برای خروج از مدینه برای مقابله با دشمن در نبرد احد، ناراحتی و نگرانی کسانی که به لحاظ کمی سن اجازه حضور در جنگ احد و بدر را نیافتند (همان، ص ۱۶)، حضور حنظله غسیل الملائکه در نبرد بدر که تنها یک شب از ازدواجش می‌گذشت (ابن هشام، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۷۹)، اختلاف پدر و فرزند برای شرکت در بدر، که هریک دوست داشتند به جای دیگری به نبرد اعزام شوند (واقعی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۱۵)؛ جنگیدن عمرو بن جموح که معلول بود (همان، ص ۲۶۵) و نیز فرزند او یعنی معاذ بن عمرو که در جنگ بدر به هنگام نبرد با ابوجهل در حالی که یکی از دستانش تقریباً قطع شده و تنها به پوست آویخته بود می‌جنگید و وقتی احساس کرد این دست مانعی برای جنگیدن اوست پای بر آن گذاشته و آن را کند و کناری افکند و جنگید تا شهید شد (طبری، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۹۷۳)، و... نشان از ایثار، شوق و رغبت به جهاد و شهادت در راه خدا دارد.

مقام معظم رهبری ﷺ در دیدار اعضای ستاد بزرگداشت چهاردهمین سالگرد رحلت حضرت امام خمینی ﷺ، وحدت و انسجام داخلی، تلاش برای حل مشکلات مردم و تقویت ارزش‌های انقلاب، از جمله روحیه شهادت‌طلبی و فداکاری را عوامل اصلی ایستادگی و رفع تهدیدها برمی‌شمارند: خرمشهر با سلاح و تجهیزات پیشرفته نظامی فتح نشد، بلکه توکل بر خدا، شجاعت، شهادت‌طلبی و فداکاری رزمندگان و مردم ایران، موجب آزادسازی خرمشهر گردید و امروز نیز تنها راه مقابله با تهدیدها تقویت این عوامل پایداری است. (بیانات در دیدار اعضای ستاد بزرگداشت چهاردهمین سالگرد رحلت حضرت امام خمینی ﷺ مندرج در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۲۹۸۲۱>

### ۳. ۷. امید

مقام معظم رهبری علیه السلام در بیانیه گام دوم اولین توصیه خود به ملت ایران را امید و نگاه خوش‌بینانه بیان می‌کنند: اما پیش از همه چیز، نخستین توصیه من امید و نگاه خوش‌بینانه به آینده است. بدون این کلید اساسی همه قفلها، هیچ گامی نمی‌توان برداشت. آنچه می‌گویم یک امید صادق و متکی به واقعیت‌های عینی است. اینجانب همواره از امید کاذب و فریبنده دوری جست‌ام، اما خود و همه را از نومی‌دی بیجا و ترس کاذب نیز برحذر داشته‌ام و برحذر میدارم. در طول این چهل سال - و اکنون مانند همیشه - سیاست تبلیغی و رسانه‌ای دشمن و فعال‌ترین برنامه‌های آن، مایوس‌سازی مردم و حتی مسئولان و مدیران ما از آینده است. خبرهای دروغ، تحلیل‌های مغرضانه، وارونه‌نشان دادن واقعیتها، پنهان کردن جلوه‌های امیدبخش، بزرگ کردن عیوب کوچک و کوچک نشان دادن یا انکار محسنات بزرگ، برنامه همیشگی هزاران رسانه صوتی و تصویری و اینترنتی دشمنان ملت ایران است؛ و البته دنباله‌های آنان در داخل کشور نیز قابل مشاهده‌اند که با استفاده از آزادی‌ها در خدمت دشمن حرکت میکنند. شما جوانان باید پیش‌گام در شکستن این محاصره تبلیغاتی باشید. در خود و دیگران نهال امید به آینده را پرورش دهید. ترس و نومی‌دی را از خود و دیگران برانید. این نخستین وریشه‌ای‌ترین جهاد شما است. نشانه‌های امیدبخش - که به برخی از آنها اشاره شد - در برابر چشم شما است. رویشهای انقلاب بسی فراتر از ریزشها است و دست‌ودل‌های امین و خدمتگزار، بمراتب بیشتر از مفسدان و خائنان و کیسه‌دوختگان است. دنیا به جوان ایرانی و پایداری ایرانی و ابتکارهای ایرانی، در بسیاری از عرصه‌ها با چشم تکریم و احترام مینگرد. قدر خود را بدانید و با قوت خداداد، به سوی آینده خیز بردارید و حماسه بیافرینید.

امید به عنوان یک عامل معنوی افزایش روحیه، در همه زمینه‌ها می‌تواند انسان را در برابر سختی‌ها مقاوم و استوار سازد و سختی‌ها و ناملایمات را در برابرش آسان گرداند. در مقابل، یأس و ناامیدی آفت استقامت و پایداری است؛ به گونه‌ای که انگیزه حرکت و تلاش را از انسان سلب می‌کند. انسان اگر از پیروزی و موفقیت در برابر دشمن ناامید گردد، ترس و دلهره

بر او مستولی و قدرت مقاومت را از دست خواهد داد. امید، نیروی استقامت و پایداری را تقویت می‌کند و دودلی را از میان بر می‌دارد، ولی نومیدی، ضعف و دودلی را بر انسان چیره می‌کند. به وسیله استقامت، می‌توان امیدوار بود و به وسیله امید، می‌توان پایداری کرد و استقامت نمود. کسی که از رسیدن به مقصود نومید شود و دارای استقامت نباشد، همه مشکلات در نظرش غیر قابل حل می‌آید و موانع را غیر قابل تسخیر و شکست‌ناپذیر می‌شمارد، ولی کسی که دارای استقامت باشد، عدد مشکلات در نظرش بسیار کم و هر یک را به آسانی قابل حل می‌داند و موانع را بسیار کوچک و نابود شدنی می‌انگارد. پس نتیجه نومیدی، سستی و مرگ است و نتیجه امید، استقامت است و حیات.

بهترین مرجع امید انسان‌ها خداوند متعال است. اوست که یاری بخش استقامت‌کنندگان است و این را به مؤمنان وعده داده است. از این رو، استقامت و پایداری در راه حق نیازمند نصرت و یادآوری وعده‌های الهی است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۸۴۲)؛ چراکه آنچه را خداوند سبحان وعده کرده، هم حق است و هم به صورت قطعی محقق می‌شود و خداوند این مفهوم را چندین بار در قرآن به صراحت ذکر کرده است (روم: ۶۰؛ غافر: ۵۵، ۷۷). خداوند متعال پس از بیان مبارزات انبیاء بزرگ و کارشکنی مشرکان و مخالفان، از سنت الهی موفقیت‌نهایی اصل حق بر اهل باطل خبر می‌دهد تا مؤمنان مظلوم، در هر زمان و مکان، به وعده‌های الهی دلگرم و امیدوار باشند و گرد و غبار یأس و نومیدی را از دل و جان بشویند و برای ادامه مبارزه با لشکر باطل آماده و مقاوم گردند و بدانند که شکست کفار و موفقیت مؤمنان حتمی است (قرآنی، ۱۳۸۳، ج ۷، ص ۳۴۶).

حضرت امام خمینی علیه السلام می‌فرماید: به شما می‌گویم که از هیچ کس نترسید الا خدا، و به هیچ کس امید نبندید الا خدای تبارک و تعالی، و اگر امید خودتان را به خدای تبارک و تعالی تمام کنید، من به شما اطمینان می‌دهم که آسیبی این مملکت نبیند (موسوی، ج ۱۳، ص ۱۴۹). دیگر از ویژگی‌های پیروان انبیاء الهی که آن‌ها را در مسیر حقی که برگزیده بودند استوار می‌گردانید، امیدواری و خوش‌بینی بود. امید به وعده‌های الهی و خوش‌بین به آینده روشن

در دنیا و آخرت. این عامل نقش بسزایی در پیروزی نوح و یارانش داشت به طوری که پیمودن ادامه مسیر را آسانتر و گامهای آنان را استوارتر کرد. آزار و اذیت کفار مردم را به ستوه آورده بود و ادامه زندگی را برای آنان دشوار کرده بود، کار تا جایی برای یاران نوح سخت شده بود که مردم به وی پناهنده و متوسل شده و از او درخواست می‌کردند که برای آنان دعا کند. بنابراین نوح علیه السلام دست به دعا بلند کرد و درخواست عذاب الهی نمود اما بنا به مصلحت الهی وعده عذاب چندین بار به تأخیر افتاد که در هر مرحله چندین نفر دست از یاری نوح علیه السلام کشیده و به زمره کفار ملحق می‌شدند. اما نوح علیه السلام با صبر و حوصله فراوان آنان را نصیحت کرده و وعده الهی را به آنان گوشزد می‌نمود اما آنان با کمال گستاخی می‌گفتند: «ای نوح با ما جرّ و بحث کردی و بسیار بر حرف خود پافشاری نمودی (بس است!) اکنون اگر راست می‌گویی آنچه را از عذاب الهی به ما وعده می‌دهی بیاور.» از سوی خدا به نوح علیه السلام وحی شد: «جز آنانکه (تاکنون) ایمان آورده‌اند، دیگر هیچکس از قوم تو، ایمان نخواهد آورد، بنابراین از کارهایی که بت پرستان انجام می‌دهند غمگین مباش» (هود: ۳۳ و ۳۶). در این هنگام بود که خداوند دستور ساختن کشتی را به حضرت نوح علیه السلام داد. (هود: ۳۷). حضرت نوح علیه السلام و یارانش به هنگام ساختن کشتی نیز همواره مورد تمسخر و آزار و اذیت کفار قرار می‌گرفتند. آنها با انواع سرزنش و تمسخر، نوح علیه السلام و یارانش را می‌آزردند ولی نوح علیه السلام به آنها می‌فرمود: «روزی خواهد آمد که ما نیز شما را مسخره می‌کنیم و به زودی خواهید دانست که عذاب خوارکننده‌ای بر شما نازل خواهد شد» (همان، ۳۹ - ۳۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۱، ص ۳۲۳). در نهایت عذاب الهی آمد و تنها کسانی نجات یافتند که وعده الهی را جدی گرفته و استقامت ورزیدند.

خداوند متعال فراوان به پیامبر اسلام و امتش نتایج موفقیت حتمی متقین را در سایه صبر و استقامت وعده می‌داد (زمر: ۱۰) و این مسأله را با تبیین داستان‌های واقعی از زندگی گذشتگان روشن می‌ساخت (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۳۶۲). این وعده‌ها در صدر اسلام به مسلمانان و به‌ویژه کسانی که تازه به رسول خدا و آئین او ایمان آورده بودند، روح

تازه‌ای از امید می‌دمید و آنان را در رویارویی با مشکلات صبور و مقاوم می‌ساخت و بر پایداری آنان می‌افزود (انفال: ۶۵).

خانواده یاسر، که به پیشنهاد پسرشان، عمّار، اسلام آوردند، از سوی ابوجهل و عده‌ای دیگر از مشرکان، مورد شکنجه قرار گرفتند. آخرین سخن سمیه این بود که: «ما راه خود را یافته‌ایم و به محمد ایمان آورده و رهبری او را پذیرفته‌ایم و هرگز از ایمان و هدفمان دست بر نمی‌داریم» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۸، ص ۲۴۱). پیامبر اکرم ﷺ با دیدن استقامت خانواده یاسر از آنان دلجویی کرد و با مهربانی به آنها فرمود: ای آل یاسر! صبر و مقاومت کنید که وعده‌گاه شما بهشت است» (قمی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۱۶۱).

از دیگر امتیازهای مهم جبهه حق وعده نصرت الهی با امدادهای غیبی بود. روشن است که اتکاء به چنین پشتوانه‌ای نیرومند تا چه اندازه موجب دلگرمی پیامبر ﷺ و پیروانش می‌گردید و آنان را به پایداری و استقامت برای رسیدن به هدف مصمم می‌ساخت؛ زیرا خداوند در قرآن کریم تحقق وعده نصرت الهی را مشروط به صبر و استقامت مؤمنان نموده است.

در جریان جنگ بدر خداوند به مسلمانان وعده داد که در صورت استقامت، موفقیت و نصرت الهی شامل آنها خواهد بود: (نفال: ۶۵) ای پیامبر! مؤمنان را به جنگ (با دشمن) تشویق کن! هر گاه بیست نفر با استقامت از شما باشند، بر دویست نفر غلبه می‌کنند و اگر صد نفر باشند، بر هزار نفر از کسانی که کافر شدند، پیروز می‌گردند چرا که آنها گروهی هستند که نمی‌فهمند. هم اکنون خداوند به شما تخفیف داد، و دانست که در شما ضعفی است بنابراین، هر گاه یکصد نفر با استقامت از شما باشند، بر دویست نفر پیروز می‌شوند و اگر یک هزار نفر باشند، بر دو هزار نفر به فرمان خدا غلبه خواهند کرد! و خدا با صابران است!"



### نتیجه‌گیری

ملت ایران بعد از یک دوره چهل ساله و برداشتن گام‌های بلند در حفظ انقلاب و نظام خود، اکنون گام دوم خویش را شروع نموده است. چله اول چراغ راه گام دوم است و باید از آن چله برای طی این گام درس گرفت. باید نقات قوت و ضعف را شناخت و در تقویت و برطرف نمودن آنها تمرکز نمود. در این میان مردم ایران به عنوان پیروان راستین اسلام و پیامبر اسلام و جانشینان ایشان، جایگاهی بس والا و خطیر دارند. باید بدانند که برای پیمودن مسیر پر مشقت آینده چه خصایص و ویژگی‌هایی داشته باشند. قرآن به بهترین شکل ممکن این توصیف را برای پیروان امتهای گذشته و امت صدر اسلام ارائه داده است. قرآن، پیروان امتهای سعادت‌مند را دارای ایمانی راسخ به حق و همراه با توکلی راستین به خدا میدانند. آنها را تسلیم امر پیامبر و ولیشان می‌داند. آنها را مردمی می‌داند که به واسطه ایمان و توکلشان قدرتهای خود را باور دارند، در راه حق حول محور ولی خود متحد می‌گردند و در مسیر سختی‌ها به کمک هم می‌شتابند و نیروهای خود را هم‌افزایی می‌کنند و به پیروزی و آینده روشن خود امید حقیقی دارند و در راه اعتلای حق و جامعه خود جان خود را تقدیم می‌کنند.

## منابع

١. قرآن كريم، ترجمه فولادوند، محمد مهدي، تهران: دارالقرآن الكريم، ١٤١٥ ق.
٢. نهج البلاغه، ترجمه سيد علي نقی فيض الاسلام، بی چا، تهران: موسسه انتشارات، ١٣٧٨.
٣. ابن اثير، اسد الغابة في معرفة الصحابة، دارالفكر، بيروت، ١٤٠٩ ق.
٤. ابن اثير، الكامل في التاريخ، دارصادر، بيروت، ١٣٨٥ ق.
٥. ابن سعد، محمد، طبقات الكبرى، تحقيق محمد عبد القادر عطا، دارالكتب العلمية، بيروت، ١٤١٠ ق.
٦. ابن فارس، احمد، معجم مقاييس اللغة، تحقيق عبدالسلام محمد هارون، قم، الاعلام الاسلامي، ١٤٠٤ ق.
٧. ابن كثير دمشقي، اسماعيل بن عمر، البداية والنهاية، دارالفكر، بيروت، ١٤٠٧ ق.
٨. ابن منظور، محمد بن مكرم، لسان العرب، تحقيق جمال الدين ميردامادي، بيروت، دارالفكر، ١٤١٤ ق.
٩. ابن هشام، السيرة النبوية، دارالفكر، بيروت، ١٣٧١ ق.
١٠. احمدى ميانجى، على، مكاتيب الرسول، قم، موسسه دارالحدیث، ١٤٣٨ ق.
١١. آيتي، محمد ابراهيم، تاريخ پیامبر اسلام، تجديد نظر و اضافات از ابوالقاسم گرجي، انتشارات دانشگاه تهران، ١٣٦١ ش.
١٢. بيانيه گام دوم انقلاب اسلامي.
١٣. تميمي آمدی، عبدالواحد بن محمد، تصنيف غرر الحكم و درر الكلم، تحقيق مصطفى درايטי، ترجمه آقا جمال خوانساري، قم، دفتر تبليغات، ١٣٦٦ ش.
١٤. حلبي، على بن برهان الدين، السيرة الحلبية، المكتبة الاسلاميه، بيروت، بی تا.
١٥. خميني، روح الله، صحيفه امام، موسسه تنظيم و نشر آثار امام خميني (س)، تهران، ١٣٧٨ ش.
١٦. راغب اصفهاني، حسين بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، ترجمه جهانگير ولدبيگي، بيروت، دارالقلم، ١٤١٢ ق.
١٧. طباطبائي، محمد حسين، الميزان في تفسير القرآن، ترجمه محمد باقر موسوي، قم، جامعه مدرسین، ١٤١٧ ق.

۱۸. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ترجمه گروهی از مترجمان، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.
۱۹. طبرسی، محمد بن حسن، اعلام الوری، دارالمعرفه، بیروت، ۱۳۹۹ ق.
۲۰. طبری، أبو جعفر محمد بن جریر، تاریخ الأمم والملوک، تحقیق محمد أبو الفضل ابراهیم، دار التراث، بیروت، ۱۳۸۷ ق.
۲۱. طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، تهران، مرتضوی، ۱۳۷۵ ش.
۲۲. عبدالمحمدی، حسین، تساهل و تسامح از دیدگاه قرآن و اهل بیت، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۱ ق.
۲۳. قرائتی، محسن، تفسیر نور، نشر مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، تهران، ۱۳۸۳ ش.
۲۴. قمی، عباس، منتهی الامال، تحقیق صادق حسن زاده، مؤمنین، قم، ۱۳۸۲ ش.
۲۵. کراچکی، محمد بن علی، کنز الفوائد، تحقیق عبدالله نعمه، ترجمه محمدباقر کمره‌ای، قم، دارالذخائر، ۱۴۱۰ ق.
۲۶. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ترجمه سید جواد مصطفوی، قم، دارالحديث، ۱۴۲۹ ق.
۲۷. متقی هندی، حسام الدین، کنز العمال، تحقیق شیخ بکری، موسسه الرساله، بیروت. بی تا.
۲۸. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحار الأنوار الجامعه لدرر اخبار ائمه الاطهار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۲۹. محمدی اشتهاردی، محمد، قصه‌های قرآن، مؤسسه انتشارات نبوی، تهران، ۱۳۸۹ ش.
۳۰. محمدی ریشه‌ری، محمد، میزان الحکمة، ترجمه حمیدرضا شیخی، قم، دارالحديث، ۱۳۸۵ ش.
۳۱. مصباح یزدی، محمد تقی، اخلاق در قرآن، تحقیق محمد حسین اسکندری، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره، ۱۳۹۱ ش.
۳۲. مکارم شیرازی، ناصر تفسیر نمونه، دارالکتب الإسلامیة، تهران، ۱۳۷۴ ش.
۳۳. واقدی، ابو عبدالله محمد بن عمر، المغازی، تحقیق مارسدن جونس، موسسه الاعلمی، بیروت، ۱۴۰۹ ق.
۳۴. یعقوبی، احمد بن یعقوب، تاریخ یعقوبی، ترجمه دکتر محمد ابراهیم آیتی، بنگاه ترجمه و نشر

کتاب، تهران، ۱۳۴۷ ش.

۳۵. بیانات در دیدار مردم شهرستان رفسنجان مندرج در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۳۲۸۸>

۳۶. بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری مندرج در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۸۹۸۸>

۳۷. بیانات در دیدار کارگزاران نظام مندرج در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۳۱۹۶>

۳۸. بیانات در دیدار اعضای ستاد بزرگداشت چهاردهمین سالگرد رحلت حضرت امام خمینی علیه السلام

مندرج در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۲۹۸۲۱>

۳۹. بیانات در دیدار مسئولان نظام به مناسبت مبعث حضرت رسول اعظم صلی الله علیه و آله مندرج در:

<https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?id=۳۵۸۰&nt=۲&year=۱۳۸۷&tid=۱۸۰۹>

۴۰. بیانات در دیدار شرکت کنندگان در اجلاس جهانی «جوانان و بیداری اسلامی» مندرج در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۱۸۸۷۱>

۴۱. بیانات در دیدار دست اندرکاران مراسم سالگرد شهادت حاج قاسم سلیمانی و خانواده شهید

سلیمانی مندرج در:

<https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=۹۸۸>

۴۲. بیانات در همایش ده ها هزار نفری «خدمت بسیجیان» در ورزشگاه آزادی مندرج در:

<https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=۹۸۸>